هویت ایرانیان در کتاب‌آرایی دوره صفوی

**علی اصغر کلانتر**

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، استادیار گروه پژوهش هنر و صنایع دستی (نویسنده مسئول)

Email: a.kalantar@umz.ac.ir

**هنگامه شاهقلی**

دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه مازندران

Email: Hengameh.Shahgholi@gmail.com

# چکیده

کتاب‌آرایی از رشته‌های شاخص فرهنگی و هنری ایران محسوب می‌شود که آگاهی از چگونگی شیوه‌ها و روش‌های آن به شناخت هویت ملی و فرهنگی و تمدنی هر دوره تاریخی کمک فراوانی می‌نماید. منابع کتاب‌آرایی ایرانی از ادبیات غنی اساطیری، قهرمانی، تعلیمی، عاشقانه و دینی شکل می‌گیرد. به دلیل نفوذ عمیق آموزه‌های دین اسلام، خاستگاه بسیاری از فنون و آداب معنوی مربوط به کتاب و کتاب‌آرایی، متأثر از هویت تکامل یافته ایرانی ـ اسلامی است. رویکرد حاکمان شیعه مذهب صفوی نسبت به دین و هنر، حمایت و تشویق بوده است. بررسی نسخ خطی و کتاب‌آرایی عصر صفوی که از آن به عنوان عصر طلایی هنر ایران یاد می‌شود، بیانگر علاقه اغلب پادشاهان این حکومت به هنر و ادبیات است. برپایی کارگاه‌های هنری گواه پررنگ شدن جایگاه هویت ملی در این دوره است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که کتاب‌آرایی صفوی چه شاخص‌های هنری و فرهنگی ‏از هویت ایرانی را در خود دارد؟ نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد تشیع، اساطیر و ادبیات تغزلی، مؤلفه‌های هویت بخش ایرانی در کتاب‌آرایی دوره صفوی هستند. ‏روش پژوهش در این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است. برای پاسخ به سئوال پژوهش، سعی شده از میان نمونه‏های بررسی شده به بررسی ویژگی‏های نسخ کتاب‌آرایی شده در دوران صفوی بپردازیم و از میان کتاب‌های مطرح کتاب‌آرایی شده در این دوره، شاخصه‌ها و نمادهای هویت‌ساز ایرانی را بررسی کنیم.

**واژگان کلیدی:** هویت ایرانی، صفویه، کتاب‌آرایی، نسخ خطی، نگارگری

# مقدمه

یک کتاب از مجموعه هنرهای مختلفی تشکیل می‌شود که با اولویت اصلی متن، تصاویر و تزئینات در کنار هم قرار گرفته و اثر نهایی ‏را می‌سازند. ‏کتاب‏آرایی از مهمترین هنرهای تاریخی ایران محسوب می‌شود. سابقة آرایش نسخه‌های خطی در ایران به دوران ساسانی می‌رسد و مانویان نیز در این هنر پیشرفت چشمگیری داشته‌اند. اما با ظهور اسلام و ورود آن به ایران، به علت اهمیت و منزلت قرآن در میان مسلمانان، این هنر رونق بیشتری پیدا کرد، بنحوی که آثار بسیاری از هنرمندان هر دوره را می‌توان در ابعاد و اشکال مختلف در نمونه‌های متعدد برجای مانده مشاهده نمود. هنرمندان در ابتدا نسخه‌های قرآن را با طرح‌های هندسی می‌آراستند، اما دیری نپایید که با ترجمه متون علمی و تاریخی در دوران خلفای عباسی، به منظور درک بیشتر و بهتر مطالب این کتب، هنرمندان ناچار به استفاده از تصویرسازی موضوعی شده و به این ترتیب، هنر تصویرسازی به کتب خطی راه یافت. در دوره سلجوقی، یعنی اولین دوره مصورسازی کتاب بعد از اسلام، هنرمندان در ایران به جای نقوش خشک هندسی از نقوش پرتفصیل در آرایش نسخ خطی بهره بردند و به این طریق، نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی به کتب مصور راه یافتند. بدین ترتیب مکاتب کتاب‏آرایی ایران از قرن هفتم هجری پدیدار شده و در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم، شاخصه‏های زیباشناسانه مکاتب کتاب‏آرایی به حد اعلای خود رسید.

از دیدگاه هنر ایرانی، مذهب و ادبیات (اسطوره و حماسه) بنیادهای مهم هویت ایرانی تلقی می‌گردد. با توجه به آنکه هنرهای بصری و متون ادبی از عناصر مهم هویت‌ساز هستند، می‌توان انتظار داشت کتاب‌آرایی دوره صفوی که منبعی سرشار از متون ادبی و داستان‌های اصیل ایرانی همراه با نگارگری‌های فاخر و خوشنویسی‌های قاعده‌مند است، حاوی شاخصه‌های غنی هنری و فرهنگی از هویت ایرانی باشد. هدف این پژوهش، شناخت بیشتر مصادیق این موضوع است و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ بدهد که کتاب‌آرایی صفوی چه شاخص‌های هنری و فرهنگی ‏از هویت ایرانی را در خود دارد؟ روش پژوهش در این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است. برای پاسخ به سئوال پژوهش، سعی شده از از بین نسخ کتاب‌آرایی در دوره صفوی چند مورد که از لحاظ کتاب‌آرایی دارای شاخص‌های کامل‌تری بودند (مانند نگارگر، خوشنویس و نویسنده متن کتاب) و همچنین دارای نگاره‌های متعدد بودند از جمله: شاهنامه بایسنقری، هفت اورنگ ابراهیم میرزا از لحاظ کیفی و کمی مورد بررسی قرار گرفتند و پس از بررسی حدود پنجاه نگاره از این کتب به بررسی شاخص‌های هویت ایرانی در این کتب پرداختیم.

# پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون کتاب‌آرایی دوره صفوی که آنهم بسیار اندک است بیشتر به جنبه‌ زیباشناسی و بررسی هنری این آثار پرداخته شده است. به عنوان نمونه؛ مصباح و همکاران (1398) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اصول صفحه‎آرایی حاکم بر ترکیب‎بندی در صفحه‎های سرآغاز و سرلوح نسخ خطی ایران (سلجوقی تا پایان صفوی)»به تحلیل ترکیب‎بندی و اصول حاکم بر دو بخش از نسخه‎های خطی ایرانی یعنی صفحه‎های آغازین و صفحه‎های سرلوح پرداخته‌اند. رهنورد (1386) در کتاب «تاریخ هنر ایران در دوره‎ی اسلامی: کتاب‎آرایی» روند و سیر تاریخی هنر کتاب‎آرایی از پیش از اسلام تا اواخر دوره قاجاریه و اوج و فرودهای این هنر که ارتباط مستقیمی با امیال و خواسته‎های شاه و شرایط اقتصادی و سیاسی کشور داشته را در شش فصل بررسی نموده است. دوازده امامی و بانکی زاده (1392) در مقاله‎ای تحت عنوان «تطبیق و تحلیل صفحه‎آرایی در دو نگاره از شاهنامه بایسنقری و شاهنامه طهماسبی» به تحلیل کتاب‎آرایی، تناسبات و نحوه استفاده از پرسپکتیو در صفحه‎آرایی دو نگاره نام‎برده شده می‎پردازد. صحراگرد و شیرازی (1391) در مقاله‎ای با عنوان «سطربندی و صفحه‎آرایی قرآن‎های خطی» تنها به بررسی مسأله سطربندی پرداخته است. کتب انتخاب شده در پیشنه‌ای که ذکر شد بیشتر جنبه مذهبی و ادبی دارند. پژوهشگران به بررسی هنرهای متعدد مورد استفاده در کتاب‌آرایی دوره صفوی پرداخته‌اند و به جنبه هویت‌شناسی و وجه ملی و فرهنگی آنها پرداخته نشده‌است. از این رو در پژوهش حاضر به وجه هویتی و ایرانی بودن این هنر بزرگ می‌پردازیم.

# هویت ملی

هویت از نظر لغوی به معنای هستی و ماهیت است و موجب شناسایی و تمایز هر فرد از دیگری می‌شود. (میرمحمدی، 1383) هویت داشتن یعنی مانند دیگران بودن در یک گروه و مانند خود بودن در گذر زمان نسبت به افراد گروه یا افراد خارج از گروه خودی. (گل‌محمدی، 1380) در تعریف کلی از هویت می‌توان گفت: مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، آن‌ها را در ظرف مکانی معین به طور مشخص و پذیرفتنی و آگاهانه از دیگر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد. (الطایی، 1382)

هویت ملی از مقولاتی است که در قرن بیستم و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هر چند که همواره یکی از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است. هویت ملی نیز، مانند هویت، تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است، و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس می‌کنند. (یوسفی، 1379) واژه هویت ملی از نیمه دوم قرن اخیر رواج یافته و به جای واژه کاراکتر ملی به کار می‌رود. (اشرف، 1378) استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد: «اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی بنامیم، تعریف آن عبارت خواهد بود از وجود احساس مشترک یا وجدان دسته‌جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند.» (مطهری، 1363) هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. مهمترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از: سرزمین، دین و آئین، آدب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. در درون یک اجتماع ملی میزان تعلق و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، شدت احساس هویت ملی آنها را معین می‌کند. (یوسفی، 1380) برخی از تعاریف هویت ملی بر عناصر یکپارچه کننده واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایشات و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک مشور به عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند. (حاجیانی، 1379) در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است». (همان) عده‌ای از صاحب‌نظران هویت ملی را به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسان را در بر می‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند، تعریف می‌کنند. (روح‌الامینی، 1379)

هویت ملی دارای عناصر سازنده‌ی گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، جامعه‌ای، انسانی، و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی جغرافیایی، سیاسی، زبانی و غیره است. هویت ملی ایرانی نیز به انحای مختلف، دارای ابعاد و عناصر فوق هستند؛ اما مهم‌ترین مسایل آن، وجود دو عنصر اسلامیت و ایرانیت و تأثیرپذیری آن از فرهنگ غربی است. در تعبیری کامل‌تر هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی. (همان)

# ابعاد و عناصر سازنده‌ی هویت ملی

همان‌گونه که از تعریف هویت ملی بر می‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و ارزش‌های انسانی، به کلیه‌ی اصول و قواعد انسانی، فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد. (زهیری، 1381) البته در میان اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و غیره، درباره‌ی اصالت هر یک از ارزش‌های فوق نسبت به دیگری اختلاف نظر وجود دارد. در جغرافیا، به سرزمین و تاریخ مشترک؛ در علوم اجتماعی، به زبان و دین مشترک و در علوم سیاسی، به ساختار سیاسی مشترک، ملیت و ملت و جامعه‌ی مدنی تأکید شده است. هویت ملی در کنار عناصر سازنده‌ی خود، ابعاد گوناگونی هم دارد که شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبان و ادبیات می‌شود. هر یک از این ابعاد، در تکوین و تشخص هویت ملی، اهمیت خاص خود را دارد. بعد اجتماعی نشان‌دهنده‌ی تعلق شخص به یک محیط اجتماعی خاص است که محدوده هویت اجتماعی او را شکل می‌دهد؛ بعد تاریخی، عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته‌ی تاریخی و احساس دلبستگی به آن؛ و لذا، احساس هویت تاریخی و هم تاریخی پنداری، پیوند دهنده‌ی نسل‌های مختلف به یکدیگر است که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخ‌اش می‌شود. (همان) بدیهی است هویت ملی هر ملت، در درجه‌ی نخست زاییده‌ی محیط جغرافیایی آن ملت است؛ زیرا محیط جغرافیایی، تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید.

# هویت ملی ـ ایرانی

ایران در منطقه‌ی خاورمیانه پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی چون: هند، چین، مصر، بابل، یونان و روم بوده است. از همین رو در طول تاریخ کهن، این سرزمین شاهد تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیار بوده که در تعیین هویت ایرانی و تحول آن نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند. از این میان، گسترش اسلام در ایران و برخورد کشور ما با اندیشه‌های جدید غربی در تحول هویت ملی ما بیش‌ترین تأثیر را داشته است. هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت‌های دیگر، دارای مؤلفه‌های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه‌های چون زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌ی هویت ایرانی یاد می‌کنند؛ زبانی که علی‌رغم آمیختگی‌هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه‌ی بنیادی هویت ملی به حساب می‌آورند. طبق نظریه‌ای دیگر، وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم‌ترین مؤلفه‌ی هویت ملی ایران است. (تاجیک، 1379)

ادیان از آغاز تا کنون، همواره در هویت‌بخشی مدنی و اجتماعی به بشر نقش مثبت و مؤثری داشته‌اند. دین نقش تعیین کننده‌ای را به عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ دینی می‌تواند حیات‌بخش، توسعه آفرین و تمدن‌ساز باشد. هویت دینی نیز همچون هویت که چندبعدی است، مفهومی است مرکّب و شامل ابعاد مختلفی چون مسائل اعتقادی، شعائر و مناسک، مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. (ذوالفقاری، 1386)

# هویت ملی ـ شیعی

پژوهشگران معاصر، حکومت صفویه را نخستین حکومت ملی ایران می‌دانند. برخی، رسمی و فراگیر شدن مذهب شیعه در ایران را عاملی اساسی در شکل‌گیری هویت ملی در عصر صفوی به شمار آورده‌اند که به یکپارچگی مردم ایران و در نتیجه توانمندی آنان را در برابر دشمنان سنی مذهب در پی داشت. در این رویکرد مذهب شیعه، عاملی برای وحدت بخشی به جامعه ایرانی و در عین حال ایجاد تمایز و تشخص ایرانیان در برابر دشمنانش، بخصوص حکومت عثمانی بود. (گودرزی، 1387) تشیع برای ما ایرانیان صرفاً یک برداشت مذهبی و اعتقادی از دین اسلام نیست؛ چنان که معمولاً از آن چنین برداشتی وجود دارد، بلکه بخشی از هویت ملی ماست. منظور از تشیع در اینجا مفهوم تمدنی آن است که خیلی شمول‌گراست.تشیع حتی قرن‌ها قبل از دوره صفوی، یکی از مؤلفه‌های حفظ هویت ایرانی بوده است. زبان فارسی در میان شیعیان برای قرن‌ها قبل از دوره صفوی ابزاری برای مقابله با سیطره ایدئولوژی خلافت بود. سهم تشیع در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی در مورد دولت صفوی، نقطه عطف خود را تجربه می‌کند. صفویه دولت ملی را بر پایه تشیع بنیاد نهادند یا به تعبیر بهتر تجدید کردند. ایرانی که امروز می‌شناسیم ایرانی است که صفویه در تجدید هویت ملی آن سهم اصلی را دارند. نه‌ تنها کلیت وحدت سرزمینی و هویت ملی ما ریشه در دوران صفوی دارد، بلکه نسبت میان مؤلفه‌های اصلی هویت ایرانی یعنی سرزمین تاریخی ایرانشهر، زبان فارسی و تشیع همچنان همان است که در دوره صفوی بر آن استقرار یافت. مناسبات میان مؤلفه‌های قدرت هم همچنان همان است. به عبارت دیگر سهم مهم دین و روحانیت در قدرت اجتماعی و سیاسی.

# کتاب‏آرایی در ایران

هنر کتاب‎سازی در ایران دارای سبک‎ها و روش‎های مدون بوده و ترتیب ویژه‎ای در تهیه نسخه‎های خطی رعایت شده است. هر نسخه مجموعه‎ای از صفحه‎ها و بخش‎های مختلف را شامل می‎شد که نه تنها کاربرد ویژه داشتند بلکه در تزئین و آرایه‎سازی آنها نیز از اسلوب متفاوت و ویژه آن صفحه‎ها تبعیت می‎شد. از دیرباز در ایران رسم بر این بود که خوشنویس کتابی منظوم یا منثور را با خط خوش بازنویسی می‎کرد و سپس این وظیفه را بر عهده نقاش می‎گذاشت تا او بنابر انتخاب خود و یا طبق سنت معمول، بخش‎هایی از متن را به تصویر بکشد و بر کتاب بیفزاید. (پاکباز، 1390) نگارگری ایرانی همیشه در قالب نسخ خطی به منصه ظهور رسیده است و نسخ خطی بستری بوده برای ارائه کار هنرمندان، از اینرو نگارگران و خوشنویسان رابطه تنگاتنگی با هم داشته‎اند، ‎چه بسا یک نگارگر توانا در خوشنویسی نیز مهارت داشته و بالعکس، چون نگاره در یک مجموعه خطی ارائه می‎شد هماهنگی و ارتباط میان نوشته و نگاره و فضاهای خالی یعنی رسیدن به صفحه‎آرایی زیبا و متعادل مورد توجه هنرمندان بوده است. (دوازده امامی و بانکی‎زاده، 1392) سابقه‌ی صفحه‏آرایی در ایران به مانی در کتاب ارژنگ باز می‌گردد که در دوره‌های مختلف با پیشرفت نگارگری ایرانی از یک سو و روند رو به تکامل خوشنویسی ایرانی از سوی دیگر شکوفا شده است. قدیمی‌ترین مدارک نوشتاری در ایران متعلق به پیروان مانی است. این مدارک مربوط به قرن هشتم و نهم میلادی می‌باشند. (همایونفرخ، 1390) ‏. آثار نگارگری در دوران اوج آن، نشان دهنده قدرت هنرمندانه در کاربست عناصر تصویری، فرم‎های پالایش یافته، رنگ‎های ‏هماهنگ شده، ترکیب‎های بسیار متهورانه و محکم، عمق‎نمایی بدون استفاده از پرسپکتیو و ... است که این دستاورد، الهام‎بخش ‏هنرمندان در دوره‎های بعد می‎باشد. (مصباح و دیگران، 1397)‏

پیدایش مکاتب کتاب‎آرایی ایران، بدون شک از قرن هفتم هجری آغاز می‎گردد. پس از هجوم مغولان و آغاز حکمرانی ایلخانی در شهر تبریز، هنر کتاب‎آرایی در این شهر توسعه و سبکی مشخص در آن بروز یافت. پس از آن خاندان آل‎جلایر، بیش از نیم قرن، حاکمیت خود را از بغداد تا تبریز اعمال کردند و این فرصتی را پدید آورد تا هنرمندان این دو مرکز که هر کدام سابقه‎ای طولانی در کتاب‎آرایی داشتند، از تجارب یکدیگر بهره‎ای بیشتر ببرند. در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم شاخصه‎های زیباشناسانه مکاتب کتاب‎آرایی ایران به حد اعلای خود رسید. چنین می‎نماید که بالندگی ارزش‎ها و قابلیت‎هایی که فرهنگ ایرانی در بطن خود پرورانده بود، به دست توانای هنرمندان مکتب صفوی استعداد یابی شد و پس از زدودن ناخالصی‎ها و پالایش عناصر، به کمال کتاب‎آرایی ایرانی دست یافتند. نیمه دوم قرن دهم هجری، دوران افول کتاب‎آرایی ایران است که با کمرنگ شدن حمایت‎های درباری و رشد تولید مرقعات همزمان است. با آغاز قرن یازدهم هجری این افول شدن بیشتری گرفت و به تدریج در نیمه دوم قرن یازدهم هجری با غلبه تأثیرات نقاشی غرب، گسستن رابطه هنر و ادبیات و نیز عدم حمایت دربار از هنر و هنرمندان، سنت کتاب‎آرایی ایران منسوخ شد. (پاکباز، 1379) نسخ خطی در ایران دارای اجزا و بخش‎های مختلفی هستند. به طور کلی یک نسخه در ایران از بخش‎های ثابتی شامل: 1) صفحه‎های متن 2) صفحه‎های متن و نگاره 3) صفحه‎های نگاره 4) صفحه فهرست 5) صفحه بدرقه 6) صفحه سرلوحه 7) صفحه آغازین تشکیل شده است.

روند طراحی نسخه‎های خطی به گونه‎ای است که طرح و ترکیب هر نسخه از ابتدا تا انتها از یک شیوه و روش مشخص تبعیت می‎کند. این شیوه بر جایگیری تمام اجزاء صفحه تأثیر می‎گذارد و تمامی عناصر موجود در نسخه اعم از متن، عنوان‎ها، تصاویر، حاشیه‎ها و تزیین‎ها و حتی جدول‎کشی‎ها از این شیوه تبعیت می‎کند. (مصباح و دیگران، 1398) کتاب‏آرایی در ایران پیوندی ژرف با ادبیات فارسی داشت. بی‏سبب نیست که برجسته‏ترین نمونه‏های این هنر را می‏توان در نسخه‏های شاهنامة فردوسی، خمسة نظامی، هفت اورنگ جامی، گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ یافت. هنر کتاب‏آرایی فقط به نگارشگری و نگارگری منحصر نمی‏شد؛ بلکه تذهیب، تشعیراندازی، جدول‏کشی، جلدسازی و غیره نیز عوامل مکمل یکدیگر در آرایش یک نسخة خطی بودند. هنر کتاب‏آرایی در ایران طی سده‏های هشتم تا دهم هـ.ق به اوج شکوفایی رسید. (پاکباز، 1389) در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری شاخصه‏های زیباشناسانه مکاتب کتاب‏آرایی ایران به حد اعلای خود رسید. نیمه دوم قرن دهم هجری، دوران افول کتاب‏آرایی ایران است که با کمرنگ شدن حمایت‏های درباری و رشد تولید مرقعات همزمان است. با آغاز قرن یازدهم هجری، این افول شدن بیشتری گرفت و به تدریح در نیمه دوم قرن یازدهم هجری با غلبه تأثیرات نقاشی غرب، گسست رابطه هنر و ادبیات نیز عدم حمایت دربار از هنر و هنرمندان، سنت کتاب‏آرایی ایرانی منسوخ شد. (پاکباز، 1393)

# کتاب‎آرایی در دوره صفوی

دوره صفوی (1135-907 هـ.ق) را دوران طلایی هنر ایران می‌گویند که از دوره‌های مهم و پررونق هنر بوده و سلاطین صفوی مشوّق انواع هنرها از جمله خوشنویسی، کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی، تذهیب، نقاشی، طراحی و ... بهره‌مند بوده‌اند. صفویان بیش از دو قرن بر ایران حکومت کردند و هزاران نمونه از همه شیوه‎های نقاشی، از تصویر‎پردازی نسخه‎‎ها گرفته تا نقاشی دیواری از آن بر جای مانده است. (گرابر، 1390). شاهان و شاهزادگان مهمترین سفارش دهندگان آثار هنری و نافذترین حامیان هنرمندان بوده‏اند. (شعبان‏پور، 1382) شاه اسماعیل اول با شکست آق قویونلوها در سال 907 ق سلسله‌ی صفوی را پایه گذاری کرد، او فردی هنردوست و ادب پرور بود و توجه خاصی به هنر و فرهنگ داشت و هنرمندانی چون بهزاد و شاه محمود خوشنویس در دربار او حضور داشتند. جانشین او، شاه طهماسب نیز به خوش‎نویسی و نقاشی علاقمند بود. در نتیجه هنر صفحه آرایی در این دوره از رونق زیادی برخوردار شد و به دستور شاه طهماسب در تبریز کارگاه‌های کتاب‌سازی ایجاد شدند. اما از سال 941 ق شاه طهماسب بنابر دلایل مذهبی که «نگارگری را مناهی دین اسلام» می‌دانست از کتاب آرایی روی گردان شد. این مساله باعث مهاجرت بسیاری از هنرمندان به دربار همایون گورکانی، پادشاه هند در سال 950 ق شد. در دوران سلطنت طولانی شاه طهماسب، مهارت‏های متنوعی در زمینه هنر کتاب‏آرایی در بالاترین حد خود به کار گرفته می‏شد. او در تذهیب سرلوحه‏ها، صفحات کامل و تزئین صفحه‏ی عناوین کتب خطی به مهارت رسید. (شایسته‏فر، 1384)

در برخی از دوره‎ها مانند صفویه شیوه‎های صفحه‎آرایی سنتی با در نظر گرفتن کتاب به عنوان مجموعه‎ای به هم پیوسته کاملاً رواج یافته است. از آنجایی که نگارگری ایرانی همیشه در قالب نسخ خطی پا به عرصه وجود گذاشته است و نسخه‎های خطی بستری برای ارائه کار هنرمندان و نگاره در یک مجموعه خطی بوده، هماهنگی و ارتباط میان نوشته‎ها و نقوش موجود در کار (نگاره‎ها) و فضای خالی یعنی رسیدنی به صفحه‎آرایی زیبا و متعادل مورد توجه هنرمندان بوده است.

کتاب‌آرایان و نسخه‌پردازان با ایجاد فضاهایی جهت نوشتار در لابلای تصاویر گاه‎گاهی، تأکید کرده ویا شرحی بر تصاویر نقاشی شده می‎کردند. اما در این‎جا فقط نوشته نیست که در قالب جدول‎ها می‎آید بلکه هر کلمه‎‎ای که در دل تصویر نیز می‎آید، هدف است. این تعدد نوشتار و قراردادن آن در جای‎جای تصاویر به نوعی یک صفحه‎آرایی است که امروزه کارکردی بسیار رایج دارد. خصوصیات نقاشی صفوی، اوج تجمل و زرق و برق سنجیده‏ای است که نشان از ذوق و سلیقه غنی‏تر و لطیف‏تر دربار صفوی نسبت به دربارهای پیشین است. آنها، برای دستیابی بر شکوه و جلال، شیوه‏های تکنیکی را پرمایه‏تر و استادانه‏تر می‏گرداندند. علاوه بر زرافشان کردن کاغذ و استفاده از کاغذهای ابر و باد در صفحات متناوب با رنگ‏های گوناگون، حواشی را با تشعیرهای حیوانات طلایی رنگ، یا با شاخ و برگ درختان (که اغلب زیبایی تزئینی بسیار داشت) پر می‏کردند. (بینیون و دیگران: 1376)

رد پای حمایت شاه اسماعیل (اولین پادشاه صفوی) در هنر کتاب‌آرایی در نسخه‌هایی چون خمسه نظامی یافت می‌شود که به دستور وی تکمیل شده است. وی تعدادی از هنرمندان را از هرات به تبریز (پایتخت) آورد و به ایجاد کتابخانه سلطنتی پرداخت. شاه تهماسب دومین پادشاه صفوی به دلیل علاقه وافر به هنر، مراکزی را که پدرش بنیان گذاشته بود همچنان سرپا نگه داشت. در این‌سال‌ها بر خلاف سال‌های گذشته دوران حکومت پادشاهان صفوی که چندین نفر بر روی یک کتاب مشغول به کار بودند، عموماً تنها یک یا دو هنرمند روی هر نسخه کار می‌کردند و در این دوران مرقع[[1]](#footnote-1) که آمیزه‌ای از نقاشی، طراحی و خطاطی بود رواج بیشتری پیدا کرد، چون بر خلاف تولید نسخه‌های مصور، نیاز به حامی یا بکارگیری شمار زیادی هنرمند نداشت.

بدون شک، داشتن حامیان قدرتمند و هنردوست می‌توانست موجب ارتقاء و رشد هنر در رشته‌های مختلف و در ادوار مختلف گردد. حال اگر این حامیان، پادشاهان و حکمرانان و کسانی باشند که در رأس دولت و قدرت قرار گرفته‌اند می‌توان در آن دوران شاهد شکوه هنر بود. هنر کتاب‌آرایی در دوره صفویه، از چنین حامیان قدرتمند و با نفوذی برخوردار بوده است زیرا اغلب شاهان صفوی، به حمایت از این هنر (و سایر هنرها) و ترویج رشد و شکوفایی آن پرداخته‌اند. در دوره صفوی با رسمی شدن مذهب شیعه در کشور، هنر کتاب‌آرایی وارد عصر جدیدی شد و مضامین این هنر نیز دستخوش تحول‌های تازه شد.

# مهمترین نسخ خطی کتاب‎آرایی شده در دوره صفوی

چنانچه پیشتر به آن اشاره شد کتاب‎آرایی ارتباط مستقیم با ادبیات دارد و از آنجایی که حکمرانان صفوی دوستدار علم و ادبیات و هنر بودند کتاب‎های زیادی در ‎این دوران کتاب‎آرایی شدند که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‎کنیم. در این دوره کتابخانه‎های سلطنتی موقعیتی خاص داشتند. این کتابخانه‎ها در مجموعة دربار ساخته شده بود و کنار آن هم کارگاه صحافی قرار داشت. نخستین رئیس کتابخانه صفویان کمال‎الدین بهزاد بود که به فرمان شاه اسماعیل به این منصب گماشته شد. در کارگاه هنری کتابخانة سلطنتی صفویان شماری از نقاشان، کاتبان، مذّهبان، زرکوبان، مجلدان، جدول‎کشان، لاجوردشویان، حل‎کاران، کاغذگران، مقراض‎گران، صحافان، باسمه‎چیان و ... مشغول کار بودند. در این کارگاه‎ها تشکیلات واحدی بود که بخشی از آن به کتاب‎آرایی یا کارگاه هنری تعلّق داشت. (گرابر، 1390)

در زمان شاه عباس اول، تمام منطق‎الطیر عطار را که از زمان تیموریان ناتمام باقی مانده بود، به هنرمندان نقاشخانه سفارش داد و شاه عباس اول آن را وقف بقعة شیخ صفی اردبیل کرد. دیوان امیرعلیشیر نوایی از نسخ‎ کتاب‎آرایی شده در زمان شاه عباس اول است. دو شاهنامة دیگر نیز از این دوران یادکردنی است: یک شاهنامه به سبک و سیاق شاهنامه بایسنقری که به شاه عباس اول اهدا شد و 44 نگاره دارد (کتابخانه نیویورک) و یک شاهنامه دیگر که احتمالاً کار یکی از شاگردان رضا عباسی است. این شاهنامه متعلق به کتابخانه بریتانیا (به شماره Add.27258) در لندن است. در دوره شاه عباس دوم دست کم پنج نسخه شاهنامه و سه نسخه عالم‎آرای شاه اسماعیل کتاب‎آرایی شد. شاهنامه شاه عباسی از جمله نسخی است که شاه عباس کتاب‎آرایی آن را سفارش داد و از زمره نسخه‎های ارزشمند بوده است. از شاهنامه شاه‎عباسی که ظاهراً از شاهنامه‎های مجلل و بزرگ بوده، تنها بخشی باقی مانده است. آخرین برگ این اثر افتاده و به همین دلیل تاریخ ندارد. متأسفانه از این شاهنامه باشکوه جر پاره‎ای باقی نمانده است. (آژند، 1385)

از دوره شاه طهماسب ده‎ها نسخه مصور و صفحات کنده‎شده که همگی دارای کیفیت ممتازی هستند بر جای مانده است. یک دیوان حافظ که با ترکیب‎بندی‎های حیرت‎آور خود اصول نقاشی دوره تیموری را تغییر داد. یک شاهنامه عظیم در 760 ورق دو صفحه‎ای و 256 مینیاتور که تاریخ دقیقی روی آن درج نشده؛ ولی قطعاً کار کتاب‎آرایی آن ده‎ها سال طول کشیده است که شاه طهماسب آن را به سلطان سلیم هدیه کرده و معروف به شاهنامه هوتون است. (گرابر، 1390)

شاهکار دیگر دوره صفوی، خمسه نظامی است که کتابت آن بین سال‎های 945 تا 949 صورت گرفته و تصویرگران آن سلطان‎محمد، میرزاعلی، آقامیرک، مظفرعلی و میرسید علی بوده‎اند. این نسخه فاقد جلوه‎های بصری شاه طهماسبی است، اما وقار و وضوح ترکیب‎بندی‎ها و دقت جزئیات تصاویر، آن را به نمونه کلاسیک نقاشی ایرانی در دوره کمال آن مبدل کرده است. این کتاب عظیم که به زحمت می‎توان آن را در دست گرفت را می‌توان مرقع یا کتابی موزه‎مانند به شمار آورد که هر مینیاتور آن به خودی خود شایان بررسی است. به بیان دیگر کل کتاب موجودیتی واحد دارد که پیام آن در مجموع متن و تصاویر نهفته است. (همان)

اثر دیگر، هفت اورنگ جامی است که کتابت آن تقریبا بیست سال پس از نسخه قبلی بین سال‎های 963 تا 972 صورت گرفت و در گالری هنری فریر واشنگتن قرار دارد. این نسخه به امر ابراهیم میرزا والی مشهد تهیه شده است. پژوهشی که اخیراً روی صفحات این نسخه صورت گرفته نشان می‎دهد که تألیفات آن در بخش‎های مجزایی در زمان‎ها و مکان‎های متفاوت صورت گرفته است. نگارگری‎های آن نیز کار نقاشان متعدد است و نزدیک انتهای کتاب جای داده شده است.

از دیگر نسخ کتاب‎آرایی شده این دوران می‎توان به انوار سهیلی، گلستان سعدی، خسرو و شیرین نظامی، شاهنامه رشیدا، عجایب‎المخلوقات قزوینی، شاهنامة چرقای‎خان، شاهنامه شاه عباس ثانی، مثنوی سوز و گذار و ده‌ها اثر دیگر اشاره کرد. تعدد و کیفیت نسخ کتاب‎آرایی شده نشان از اهمیت این هنر در دوران صفوی دارد. در جدول شماره 1 به اختصار به مهمترین نسخ کتاب‎آرایی شده در پادشاهی‎های مختلف صفوی و هنرمندان مشهور آن دوران می‎پردازیم.

**جدول 1: مهمترین کتب کتاب‎آرایی شده در دوران صفوی (نگارنده)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوران پادشاهی** | **هنرمندان مشهور** | **کتاب** |
| شاه اسماعیل اول | کمال‎الدین بهزاد | قرآن  منطق‎الطیر عطار  شاهنامه‎ای ناتمام  شاهنامه طهماسبی |
| شاه تهماسب | کمال‎الدین بهزاد  سلطان محمد  آقا میرک اصفهانی | قرآن  شاهنامه تهماسبی  دیوان امیر علیشیر نوایی  دیوان حافظ  خمسه نظامی  هفت اورنگ ابراهیم میرزا |
| شاه اسماعیل دوم | صادقی بیک افشار | با افول کتاب آرایی روبرو هستیم. |
| شاه عباس اول | رضا عباسی | مجموعه‎های بی نظیر قرآن‎های خطی  منطق‎الطیر عطار  دیوان امیر علیشیر نوایی  شاهنامه (به سبک شاهنامه بایسنقری) |
| شاه صفی اول | محمد علی  محمد یوسف | قرآن  دیوان حافظ (توپقاپی سرای استانبول) |
| شاه عباس دوم | معین مصور  افضل الحسنی  محمد یوسف  محمدعلی  محمد قاسم | قرآن‌های خطی و نفیس  5 نسخه شاهنامه  3 نسخه عالم آرای شاه اسماعیل |
| شاه سلیمان | معین مصور  فضل علی  غلام پیرپیک  محمد زمان | قرآن  شاهنامه (موزه متروپلیتن) |

# هویت ایرانی در دوره صفوی

در دوره‌ی صفوی با یکپارچگی که در قلمرو سیاسی کشور حاکم بود و همچنین رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، بزرگترین مانع و نگهدارنده تمامیت ارضی و فرهنگی ایران در برابر عثمانی‌ها و ازبکان پدید آمد. صفویه تشکیلات منسجم اداری دقیقی را بویژه از دوره شاه عباس اول پایه‌ریزی کردند. زبان فارسی باقی ماند، مدیحه‌سرایی از رونق افتاد و به جای آن مرثیه‌سرایی رونق گرفت. در حوزه علوم دینی شخصیت‌هایی مانند علامه مجلسی، محقق‌ثانی، شیخ حُرعاملی و شیخ بهایی ظهور کردند که سهم مهمی در تشکیلات فرهنگی صفویه داشتند. (سیوری، 1374) ترجمه آثار بزرگ ادب پارسي به زبان‌هاي اروپايي از جمله گلستان به زبان فرانسوي از يکسو و انتشار سفرنامه‌هاي متعدد سياحان و محققان اروپايي مانند شاردن و تاورنيه مقدمه‌اي براي ‏نفوذ فرهنگ ايراني در اروپا بود و مردم اروپا را به فرهنگ و ادب ايراني علاقمند ‏ساخت و آنان را متوجه گنجينه غني و پرارزش هنر و ادبيات فارسي نمود‎ .‎فرهنگ وهنر ايراني درعثماني نيز بسيار بانفوذ بوده است، به گونه‌اي که بسياري از صنعتگران ومعماران ايراني توسط آنان به ‏خدمت گرفته مي‌شدند و يا سلاطين عثماني در ضمن جنگ‌هاي خود با پادشاهان صفوي ايران مي‌کوشيدند که از هنرمندان ‏ايراني استفاده کنند و آنها را باخود به عثماني منتقل مي کردند. ‏پیشرفت در دوره صفوی در یک حوزه بخصوص نبوده و تقریباً می‌توان در تمام زمینه‌های ادبی، فرهنگی و هنری آن را دید.

دايره روابط سياسي وتجاري وفرهنگي ايران باکشورهاي همسايه مانندامپراطوري عثماني وهند و روسيه ونيز با کشورهاي بزرگ اروپايي از آغاز دولت صفوي وسعت يافت و اين روابط در زمان پادشاهي شاه عباس توسعه بيشتري پيدا کرد. ايران با ايجاد روابط ميان کشورهاي اروپايي و بخصوص با ملل همجوار خود، توانست با فرهنگ و تمدن آنها آشنايي پيدا کرده و بعلت نزديکي بيشتر تاثير قابل توجهي در فرهنگ و تمدن آنها بجاي گذارد .پادشاهان صفوي روابط نزديکي را با سلاطين هند برقرار کردند و در تمام طول سلطنت صفویان ايران با هند روابط فرهنگي داشته است. به جرات مي توان گفت که در هيچ دوره اي از تاريخ درخشان فرهنگ ايراني چنين سرمايه گذاري فرهنگي بعمل نيامده بود. پادشاهان گورکاني هند به کسب ادبيات ايراني و ساير علوم علاقه داشته و در اين دوره هزاران شاعر و نويسنده و خوشنويس در هند حضور داشته‌اند.

هنر کتاب‌آرایی شامل مجموعه هنرهایی مانند خوشنویسی، تذهیب، تشعیر، جلدسازی، جدول کشی و ... است که در ارتباط با هم یک کتاب را شکل می‌دهند و در مجموع تبدیل به یک اثر ماندگار می‌شوند. در فرهنگ ایرانی، هر یک از این رشته‌های هنری هویتی مشخص و اصیل دارند که سنن موکد رایج در تمامی مراحل آماده سازی تا پرداخت، تأیید کننده این موضوع است. هر حرفه، فتوت‌نامه‌ای مختص به خود داشته که در آن درباره شکل‌گیری، خصائل سلوک و‏ استادی و ویژگی‌های معرفتی و معنوی مراحل ساخت آثار، توصیه‌های کاربردی ذکر شده است. بعنوان نمونه در هنر خوشنویسی، خوشنویسان خود سلسله‌‌ای روحانی دارند که انتساب به اساتید عارف در آن، تأییدیه‌ای اخلاقی و فنی محسوب می‌شود. آنان به هنر خود به دیدة امری کاملاً روحانی و مبتنی بر این اصل متعارف می‌نگرند که پاکی نوشتن، پاکی روح است و مانند صوفیان، سلسله وراثتی دارند که سرآغاز آن را به باب مدینة علم می‌رسانند. (فیروزان، 1380) دکتر سید حسین نصر نیز در کتاب هنر و معنویت اسلامی درباره رمز و راز حروف در تمدن اسلامی و مبانی عرفانی خوشنویسی می‌گوید: «نقطه خالق الف و الف خالق سایر حروف است، زیرا در حالی که نقطه نماد هویت الهی است، الف نیز نشانگر مقاوم واحدیت است.» (نصر، 1383) غنای فرهنگی نسخ خطی در گسترش عمق نفوذ هویت ایرانی دوره صفوی بسیار تأثیرگذار بود و نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌نمود. بررسی موردی هر یک از هنرهای دخیل در کتابت، امری است گسترده که می‌تواند یافته‌های فراوانی را در اختیار پژوهشگران قرار بدهد.

در دوران صفوی، مذهب نقش مهمی در روند مطالعه فرهنگ و هنر داشت. عناصر شیعی به طور ناگهانی و بدون سلسله مراتب هنری به وجود نیامدند. نکته قابل توجه این است که ارتباط بین هنر و مفاهیم دینی به خوبی پایه‎گذاری شده بود. در این دوران متون خطی مصور، بناهای معماری و مصنوعات هنری بازگو کننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی‎های این عصر به شمار می‎رود. (شریعت،1386) از این دوره، قرآن‎های بسیاری در موزه‎ها، مجموعه‎ها و کتابخانه‎های داخلی و خارجی موجود است که بسیاری از آنها دارای تاریخ و نام کاتب بوده و از لحاظ ویژگی‎های تزیینی و تذهیب، جزء قرآن‎های شاخص این دوره به شمار می‎آیند. بر اساس مطالعات این پژوهش، عمده کتاب‎آرایی‎هایی صفوی در کتابخانه‎های سلطنتی و کارگاه‎های هنری صورت پذیرفته‌است. این آثار شامل قرآن و کتب مذهبی، کتاب‎های شعر مانند شاهنامه، دیوان حافظ، خمسه نظامی و دیگر کتب ادبی و کتب علمی بودند.

نگاره‎هایی به تصویرکشیده شده ادبی برگرفته از داستان‎‎های اساطیری و حماسی و اصیل ایرانی، اشعار عاشقانه و تغزلی و برگرفته از هویت اصیل ایرانی است.

اساطیر بعنوان مؤلفه‌ای هویت بخش در داستان‌های ایرانی، مجموعه میراثی هستند که در طول زمان در قالب روایات ملی، اساطیر دینی، سرگذشت پهوانان، شرح لشکرکشی‌ها (جنگ‌نامه‌ها)، مبارزات و مدافعان، هنرنمایی‌ها و اعمال پادشاهان و امیران منتقل شده و به زمان حال رسیده‎اند. آنها بخش اعظم ادبیات، فرهنگ و هنر ایرانیان را به خود اختصاص داده و نقش برجسته‎ای در فرهنگ ایرانیان دارند. ملاک و شاخص هویت ایرانی در حماسه‎ها عبارت‎اند از: داد، خرد و راستی و معیار آنها پیوند با نظام الهی است و این عواملی است که انسان را به سعادت رهنمون می‎نماید.

دین و مذهب مشترک از دیگر عناصر سازندة یک ملت و هویت ملی قلمداد می‎شود و کارکرد هویت بخشی و انسجام‎دهنده آن از این طریق در همه دیدگاه‎های نظری معطوف به حوزه‎های هویت ملی و ناسیونالیسم منعکس شده است. با روی کارآمدن صفویان، ایرانیان از هویت دینی (اسلامی) به عنوان یکی از عناصر هویت‌بخش برخوردار بودند. مذهب شیعه از یک نیروی اجتماعی به یک نهاد رسمی هویت‎بخش در ایران مبدل شد و نقش بی‎بدیل خود را در تکوین هویت ملی در ایران عهد صفوی بر عهده گرفت. (گودرزی، 1387) نباید از نقش علمای شیعی در تبیین جایگاه فقهی و حکومتی شیعه در دوره صفوی و گسترش مذهب شیعه غافل شد که به شکل مستقیم و غیرمستقیم در جهت تأسیس و استمرار دولت ملی و تکوین هویت ملی در ایران نقش اساسی داشتند. (همان)

# نتیجه‎گیری

هویت، مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی است یک گروه است که به طور مشخص و پذیرفتنی و آگاهانه آن از دیگر گروه‌ها و افراد ‏متعلق به آن‌ها متمایز سازد‏. هویت ملی در قرن بیستم و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا ‏کرد. این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای مشتمل بر ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی است. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود.‏ ایران پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی چون: هند، چین، مصر، بابل، یونان و روم بوده و با تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیاری روبرو شده که در تعیین و تحول هویت ملی ‏نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند. از میان همه مؤلفه‌های تأثیرگذار، گسترش اسلام و برخورد با اندیشه‌های جدید غربی بیش‌ترین تأثیر را در تحول هویت ‏ملی ما داشته‌اند. در دوره صفوی، ‏تشیع عامل وحدت بخش جامعه ایرانی و در عین حال متمایزکننده و شخصیت بخش به ایرانیان در برابر ‏دشمنانشان، بخصوص حکومت عثمانی بود. ‏صفویان در بسیاری از موارد، به ویژه در هنر نقاشی، وارث هنر تیموریان هستند. این پژوهش درپی پاسخ به این سوال بود که کتاب‌آرایی صفوی چه شاخص‌های هنری و فرهنگی ‏از هویت ایرانی را در خود ‏دارد؟ نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد تشیع، اساطیر و ادبیات تغزلی، مولفه‌های هویت بخش ایرانی در کتاب‌آرایی دوره صفوی هستند. در دوران صفوی، کتاب سازی و کتاب‌آرایی به حد کمال رسید. در این دوره کتابخانه‌های سلطنتی تشکیل شد که در آن هنرمندان به تهیه نسخه‌های بسیار زیبا مشغول بودند. در این کارگاه مهم‌ترین فنون هنرهای کتاب سازی، خوشنویسی، تذهیب، صحافی و تصویر نگاری مورد توجه بود. تعداد قابل توجهی نقاش، خطاط و تذهیب کار، زیر نظر هنرمندان مختلف در این دوره به کار کتاب‌ارایی مشغول بودند. ‏

# منابع:

آتابای، بدری (کامروز). 1353. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، تهران، کتابخانه سلطنتی

آژند، یعقوب، 1385، مکتب نگارگری اصفهان، تهران: فرهنگستان هنر.

الطایی، علی، 1378، بهران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان

اشرف، احمد، 1378، هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور، جلد دوم، سنت و تجدد، بولتن فرهنگی معاونت امور بین‎الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران

بیانی، مهدی، 1363، احوال و آثار خوشنویسان. تهران، علمی

بینیون و دیگران، 1376، سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه: محمد ایرانمش. تهران: امیرکبیر

پاکباز، رویین،1389، نقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران، انتشارات زرین و سیمین.

پاکباز، رویین،1379، نقاشی ایران ، تهران، انتشارات زرین و سیمین.

پاکباز، رویین،1390، دائره المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر.

تاجیک، محمدرضا ،1379، روشنفکر ایرانی و معماری هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 5، پائیز 79

حاجیانی، ابراهیم ،1379،«تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ش 5، صص 228 ـ 193.

دوازده امامی، زهره، بانکی زاده، زهرا، 1392، تطبیق و تحلیل صفحه‎آرایی در دو نگاره از شاهنامه بایسنقری و شاهنامه طهماسبی، دو فصلنامه پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، 19، 23-17

رهنورد ، زهرا، 1386، تاریخ هنر ایران در دوره‎ی اسلامی: کتاب‎آرایی، تهران، سمت

روح‎الامینی، محمود و دیگران، 1379، میزگرد فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‎ها و چالش‎ها، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 4، تابستان 79

زهیری، علی‌رضا ، 1381، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم: انجمن معارف اسلامی ایران

ذوالفقاری، حسن، 1386، هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل‎های فارسی، مطالعات ملی، 30، س 8، ش 2، 52- 277

سیوری، راجر، 1374، ایران عصر صفوی، ترجمه، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

شایسته فر، مهناز، 1384، هنر شیعی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی

شعبان پور، منیژه، 1382، مکتب نگارگری هرات و هفت اورنگ، کتاب ماه هنر، آذر و دی 82، 92-82،

صحراگرد، مهدی و شیرازی ، علی اصغر، 1391، سطربندی و صفحه‎آرایی قرآن‎های خطی، [مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات (مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات)](https://www.sid.ir/journal/960/fa)  [شماره:92، 6-151](https://www.sid.ir/journal/issue/78651/fa)

فیروزان، مهدی، 1380، [راز و رمز هنر دینی: مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی تهران](https://www.gisoom.com/book/11700164/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%B1%D8%A7%D8%B2-%D9%88-%D8%B1%D9%85%D8%B2-%D9%87%D9%86%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87-%D8%B4%D8%AF%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%DA%A9%D9%86%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%B3-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84%DB%8C-%D9%87%D9%86%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86/)، تهران، سروش

گرابر، اولگ، 1390، مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه وحدتی دانشمند مهرداد، تهران: فرهنگستان هنر

گل‎محمدی، احمد، 1380، جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره 10، زمستان 80

گودرزی،‌ حسین، 1387. کارکرد هویت بخش مذهب شیعه در دوره صفویه، مجله مطالعات ملی، شماره ۳۶، تابستان 87

مایل‌هروی، نجیب، 1372،کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی

مصباح، بیتا، صفری، بیتا و رحمتی، هادی، 1398، بررسی اصول صفحه‎آرایی حاکم بر ترکیب‎بندی در صفحه‎های سرآغاز و سرلوح نسخ خطی ایران (سلجوقی تا پایان صفوی)، فصلنامه هنرهای صناعی اسلامی، شماره 2، پاییز و زمستان 98

مطهری، مرتضی ،1367، انسان کامل، تهران: صدرا

میر محمدی، 1383،[گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران](https://www.gisoom.com/book/11083596/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%DA%AF%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%87%D9%88%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D9%84%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86/)، تهران، تمدن ایرانی (وابسته به مؤسسه مطالعات ملی)

نصر، حسین، 1383، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه، رحیم قاسمیان، تهران، حکمت

همایون فرخ، رکن­الدین ، 1390، سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان. تهران، اساطیر

یوسفی، علی، 1379، فرهنگ و هویت ایرانی، فرصتها و چالشها

**The Iranian Identity in Safavid Book Designing**

|  |  |
| --- | --- |
| **Ali Asghar Kalantar**[[2]](#footnote-2) **University of Mazandaran**  a.kalantar@umz.ac.ir | **Hengameh Shahgholi Dastgerdi University of Mazandaran ‎**  hengameh.shahgholi@gmail.com |

# Abstract

Book designing is one of the cultural and artistic majors in Iran. Knowing its approach and the arrangement will abundantly help to recognize national, cultural, and civilized identity in each historical period. The sources of Iranian book design come from affluent mythical, epic, didactic, amorous, and religious literature. Because of the profound influence of Islamic teachings, the central origin of most spiritual techniques and manners in book designing is under the influence of evolved Iranian-Islamic identity. The approach of Shia Safavid rulers towards art and religion has always been supportive and encouraging. Evaluating the manuscript and the book design of the Safavid era, the golden age of Iranian art, displays that most Safavid kings are interested in art and literature. Establishing artistic workshops highlights the position of national identity in this age. This research attempts to answer this question what artistic and cultural characteristics of Iranian identity does Safavid book designing contain? The results show that Shia religion, mythology, and lyrical literature are the main Iranian powerful elements of Safavid book design. The approach of the research is descriptive-analytical. For replying the research question, the researcher attempts to evaluate the characteristics of the book designing manuscripts in the Safavid era among reviewed samples; besides, he endeavors to analyze Iranian identity-making features and symbols among notable books arranged in the Safavid period.

**Keywords:** Iranian identity, Safavid , Book Designing, manuscripts, Persian Painting

1. -مُرَقَّع به مجموعه‌ای متصل به هم از قطعات مختلف هنری شامل انواع آثار خوشنویسی و نقاشی گفته می‌شود. در نسخه‌پردازی مرقع مجموعه‌ای از آثار یا آلبومی است از قطعات مختلف شامل آثار گوناگون خوشنویسان، نقاشان، تصویرگران، و مذهبّان که به شکل رقعه رقعه یا پاره‌پاره به یکدیگر پیوسته و شیرازه بسته و به‌صورت کتاب یا بیاض تجلید شده‌اند که در واقع حاصل این کار آلبومی از صفحات به هم پیوسته از آن آثار است.(اتابای، 1353) در این ساختار، رقعه‌ها به گونه‌ای متصل می‌گردند که رقعه نخست و قطعه پایانی به طبله‌های جلد می‌چسبند و در هنگام گشودن، همه رقعه‌ها در یک راستا و در صف منظم دیده می‌شوند. (بیانی، 1363) هنگامی که این رقعه‌ها در نور دیده شوند همانند کتابی به نظر می‌رسند (مایل هروی، 1372) که به صورت آکاردئونی قابل باز و بسته شدن است .در مواردی نادر مرقع به کاغذ یا هر چیز دیگری نیز اطلاق می‌شود که با خط رقاع بر آن نوشته باشند. [↑](#footnote-ref-1)
2. -Corresponding Author [↑](#footnote-ref-2)